

بازی با سرنوشت مردم

اگر بگوئیم که رژیم کنونی با سرنوشت مردم ما بازی میکند، مبالغه نکرده و به خطا نرفته ایم. بازی با سرنوشت مردم افغانستان بیشتر از سه دهه قدمت دارد و از کودتای خونین هفتم ثور 1357 آغاز گردیده و با تهاجم وحشیانه ارتش سرخ روسی بر افغانستان تداوم یافت و با کودتای ننگین هشتم ثور 1371 به اوج خود رسید. بعد ها طالبان به همان راه شوم رفتند و این بازی همچنان ادامه یافت تا اینکه امریکا و متحدین تحت نام " مبارزه با تروریسم " به کشور ما هجوم آوردند و یک مشت جانی و دزد و فراری و ولگرد و قمار باز و چرسی و بنگی و.....، را از چهار گوشه و بیشه و قات و قوت و از بیغوله دانی های غرب جمع آوری نموده و با خروار ها دالر و درهم و دینار بر سرنوشت مردم مظلوم افغانستان حاکم ساختند و نام اش را گذاشتند " دیموکراسی " و باز همان آش بود و همان کاسه و همان چور و چپاول و وحشت و کشتار. بالای ویرانه های کشور جنگ زده ما، قصر ها آباد شد و بلند منزل ها و بانک ها و.....، شیرپور ها به شیر چور ها مبدل شدند و چنان بجان مردم مظلوم افغانستان افتادند که گرگان کرسنه بجان بره . خوردند و بردند و دریدند و به هرچه ارزش های انسانی بود بیشرمانه ریختند. بازی با سرنوشت مردم افغانستان امروز در این قرن بیست و یکم، بصورت بسیار وحشتناک آن هر روز وسعت بیشتر و بیشتر می یابد و مردم افغانستان در این منجلاب متعفن، هر روز بیشتر و بیشتر فرو میروند و مقامات امریکائی با دیده درائی از وضعیت موجوده اظهار رضایت میکنند. مقامات مسؤول در قصر سفید بار ها و بار ها از موجودیت قسیم فهیم و رشید دوستم در رده های بالائی حکومت اظهار نارضایتی کردند و مستقیم و غیر مستقیم به دست نشانده شان " حامد کرزی " چشم و ابرو نشان دادند.....، اما قرار معلوم این نمایشات مسخره جزو پالیسی امریکا و متحدین است و گاه گاهی هم یکی بر دیگری چنگ و دندان نشان میدهند تا به جهانیان وانمود کنند، دست نشانده شان، یک فرد مستقل است و یک رئیس جمهور منتخب. اما در این میانه اظهارات " پیتر گالبرایت " معاون قبلی نماینده ی سازمان ملل متحد در افغانستان میتواند به واقعیت بسیار قرین باشد. وی طی یک مصاحبه با روزنامه مشهور فرانسوی " لوموند "، "تعادل روانی" حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان را مورد شک قرار داده اظهار داشت که (حامد کرزی) شاید معتاد به مواد مخدر باشد. اگر نه چنین است، پس چرا جناب کرزی در محاصره یک مشت معتاد و جانی و رهن و دزد و جنایتکاران جنگی قرار دارد و چرا در تمام امور کشوری و لشکری مملکت ویرانه افغانستان، همین افراد شرور مورد مشوره وی قرار گرفته و در هر مجلس و جلسه و گردهم آئی و.....، همین ها حرف آخر را میزنند؟

به این نام ها دقت کنید:

" محمد قسیم فهیم ، محمدکریم خلیلی ، محمدیونس قانونی ، برهان الدین ربانی ، فضل الهادی مسلم یار ، عبدالرب رسول سیاف ، پیرسیداحمدگیلانی، محمد محقق ، محمداسمعیل ، سروردانش ، نعمت الله شهرانی ، محمداکبری ، حاجی دین محمد ، سیدمنصور نادری ، داکتر انوارالحق احدی ، عبدالهادی ارغندیوال ، محمدموسی خان هوتک "

بلی هموطن همین افراد اند که دیروز کابل را به ویرانه مبدل کردند و خون های پاک هموطنان من و تو را نا مردانه ریختند و از کشته ها پشته ها ساختند. همین ها بودند که به زن و دختر مردم با بی غیرتی تمام تجاوز کردند و چنان وحشت و قساوتی را در کشور ویرانه ما براه انداختند که قلم از نوشتن آن همه نامردی و نامردانگی شرم دارد و همین ها هستند که با وقاحت کم نظیری امروز باز هم با سرنوشت مردم افغانستان بازی میکنند.

این لیست افراد بیست که " حامد کرزی " دست نشانده امریکائی ها همه را زیر یک سقف در ارگ ریاست جمهوری گرد آورده تا بر سرنوشت من و تو بازی کنند. (حامد کرزی) از این افراد شرور و شناخته شده که بار بار در کشور ما جنایت آفریده و خون ریخته اند و مملکت را به قهقرا برده اند و هست و بود مردم را به یغما برده و بیشتر از شصت و پنج هزار (65000) افغان مظلوم و بی گناه را تنها و تنها در کابل قتل عام نموده اند ، دعوت بعمل آورده است تا در ارگ ریاست جمهوری تشریف آورده و در جلسه مشورتی حالات جاری افغانستان بحث و تبادل نظر نموده و به جناب شان مشوره دهند و تصامیم مهم اتخاذ نمایند که در حالات و اوضاع جاری کشور چه باید کرد. یعنی اینکه جناب رئیس جمهور " معتاد " از یک مشت افراد خونریز و بی وجدان و چرسی و معتاد و دزد و رهن، توقع دارد تا بار دگر با سرنوشت مردم مظلوم افغانستان بازی نمایند. مثل مشهوری داریم که: " کل اگر طبیب بودی ، سر خود دوا نمودی " ، اگر قسیم فهیم و کریم خلیلی و یونس قانونی و برهان الدین ربانی و فضل الهادی مسلم یار و عبدالرسول سیاف و سیداحمدگیلانی و محمد محقق و محمداسمعیل و سروردانش و نعمت الله شهرانی و محمداکبری و حاجی دین محمد و سیدمنصور نادری و عبدالهادی ارغندیوال و محمدموسی خان هوتک ، طبیب میبودند ، سر خود دوا میکردند. آیا " حامد کرزی " به یاد ندارد پنج سال حکومت تنظیمی را، آیا بیاد ندارد که همین قسیم فهیم و یونس قانونی و ربانی و

سیاف و مولای شان احمد شاه مسعود، کارته سه کابل را با خاک یکسان کردند و در افشار کابل فاجعه آفریدند؟ آیا به یاد ندارد که کریم خلیلی و محمد محقق و محمد اکبری و بابه شان علی مزاری ، با چه وحشت و قساوتی هموطنان مظلوم و بی دفاع ما را گوش و بینی و سینه میبردند؟ آیا از جنایات بی حد و حصر و از خیانت های سید منصور نادری بی خبر است؟ آیا از سرشت پلید محمد اسمعیل چیزی نمی داند؟ آیا از سید احمد گیلانی و زد و بند های پیدا و پنهانش باخبر نیست؟ آیا هادی ارغندیوال جنایت کار بزرگ گلبدینی را نمی شناسد؟ از شهرانی متعصب و تبعیض طلب و سرور دانش بی دانش وحدتی و حاجی دین محمد قاجاچی و مسلم یار و موسی خان و ماهیت زشت شان باخبر نیست؟ صد البته که است و از همه خویتر و بهتر هم میدانند و از زیره و پودینه شان هم کاملاً هم باخبر است ، اما چون خود هم در فساد و جنایت و شرارت آنها شریک است ، پس مجبور است با آن قطاع الطریقان و رهنان و جانپان شرور و خونریز و فاسد و بد اخلاق ، دهن جوال را گرفته و چون زالو خون مردم را مکیده و روز تا روز فربه و فربه تر گردد. در اینجا نباید نام "مبارک" برادر جناب رئیس جمهور از قلم بماند، آنکه زیر نام برادر، یک شبه به مافیای مواد مخدر مبدل گشته و ثروت سرشاری گرد آورده است و " احمد ولی کرزی " نام دارد و از اختیارات بی سرحد برخوردار است و شاید هم همین برادر بوده باشد که " حامد کرزی " را به مواد مخدر " معتاد " نموده باشد.

البته در این میانه و در این لیست به اسامی " نعمت الله شهرانی " و " انور الحق احدی " نیز برمیخوریم که از غرب به کشور فرستاده شده و در جنایات سال های 1992 تا 1996 دست نداشته اند و اما نعمت الله شهرانی یک فرد فوق العاده معتصب و تنگ نظر و تبعیض طلب بوده و نظر به ارتباطات مشکوک با ربانی و قانونی ، در این جمع وارد شد و به نان و نوانی رسید و امروز پسرانش وزیر در حکومت فعلی است ، و اما " انورالحق احدی " که مربوط به حزب " افغان ملت " است ، از مقربین " حامد کرزی " است و اینکه در خورد و برد برادران کرزی چه نقشی دارد ، گذشت زمان روشن خواهد کرد.

باقی همه افراد یاد شده دست های شان تا مرفق بخون فرزندان افغانستان رنگین است و همه جنایتکاران جنگی و قاچاقچیان مواد مخدر اند که بجای شرکت در جلسات مشورتی رئیس جمهور ، باید در جلسات دادخواهی محاکمات ملی و بین المللی شرکت نموده و جوابگوی جنایات خود باشند. اما هیئات که همین ها امروز در ارگ ریاست جمهوری گرد هم می آیند و بر سرنوشت افغانستان و مردم مظلوم و بی دفاع و بی گناه آن با همدیگر مشوره نموده و بی شرمانه با سرنوشت هموطنان شریف ما بازی میکنند و " حامد کرزی " شریک جرم و جنایت آن جانپان فرومایه است که نه از خدا میترسد و نه هم از خلق خدا شرم میکنند. نا گفته نباید گذاشت که این جنایتکاران جنگی گرد هم آمده اند تا در مورد شریک ساختن گلبدین حکمتیار و تروریستان حزب اسلامی وی و نیز ملا عمر و طالبان " کرامش " در قدرت با هم مشوره نمایند ، آنگاه دیگر حلقه جنایت و خیانت بسته خواهد شد و گلوی مردم شریف و آزاده افغانستان را چنان فشار خواهد داد که خود به مرگ خویش راضی شوند و میدان بر این جانپان و پیروان بی مقدار شان شغالی شود و.....

آیا همین " دیموکراسی " است ؟ پس اگر به این میگویند " دیموکراسی " ، پس تعریف دیموکراسی هم باید چنین باشد : " حکومت دزد و رهن ، از دزد و رهن ، برای دزد و رهن " ، که در آن صورت مردم را هیچ دخلی بر آن نبوده و صرف یک مشت دزد و رهن و جانی و قمار باز و معتاد ، هم کوزه خواهند بود و هم کوزه گر و هم کوزه خر و هم کوزه فروش . اینست " دیموکراسی " صادراتی که بجز وحشت و کشتار و چور و چپاول چیزی ندارد تا به مردم به ارمان آورد. این " دیموکراسی " در کشور ویرانه ما هنوز در حال پیاده شدن است که وضع مردم افغانستان در قرن بیست و یکم ، شباهت به قرن هژده دارد ، یعنی مردم افغانستان را درست سه قرن به عقب برده است ، پس وای به روزی که این " دیموکراسی " وارداتی پیاده شود ، آن روز دیگر نه از افغان نشان خواهد ماند و نه هم از افغانستان. پس آرزو کنیم که این " دیموکراسی " وارداتی هرگز در سرزمین ما پیاده نشود و از همان راهی که آمده است ، برگردد. درست آنروز خواهد بود که مردم افغانستان با همه این جانپان شرف باخته تصفیة حساب خواهند کرد و انتقام خون های پاک فرزندان شان را خواهند گرفت. آنگاه میشود نفسی به راحت کشید و هیچ از خود و بیگانه را یارای بازی با سرنوشت مردم نخواهد بود. به امید آنروز که دور نخواهد بود.

تا چند جو صیدید گرفتار دد و دام

از دام برون آمده صیاد بگیرید

ضحاک عدو را به چکش مغز توان کوفت

سرمشق اگر از کاوه و حداد بگیرید